مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم/ شمارهٔ ۳۷/ تابستان ۱۳۹۷

بررسی تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری در دوره صفویه (با تکیه بر نهاد وزارت)

ساسان طهماسبی [۱]

چکیده: تجربه، خانواده، استعداد، رابطه و حمایت از صفویه مهم‌ترین عوامل دستیابی به منصب وزارت اعظم در دوره صفوی بود. نقش خانواده از سایر عوامل مهم‌تر بود. زیرا بخش اعظم وزرای این دوره از اقشار بالای جامعه برخاسته بودند و موقعیت خانوادگی سایر عوامل را تحت تأثیر قرار می‌داد. وزرایی که به دلیل برخورداری از تجربه و استعداد انتخاب می‌شدند، عمدتاً اشخاصی توانا و شایسته بودند، اما بخش قابل‌توجهی از وزرا با اتکا به پایگاه خانوادگی و روابطشان با امرا و درباریان به منصب وزارت دست پیدا می‌کردند و فاقد شایستگی کافی بودند. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش تاریخی و نظریه‌های جامعه‌شناسی میزان تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری در دوره صفوی را مورد ارزیابی قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرچند جامعه دوره صفوی انعطاف‌پذیر بود، علی‌رغم تصور رایج به‌اندازه کافی شایسته‌سالار نبود. موانع زیادی در مسیر شایسته‌سالاری وجود داشت. نیمی از سی وزیر این دوره از شایستگی کافی برخوردار نبودند و تنها هشت تن از آنها به معنی واقعی کلمه شایسته بودند.

واژه‌های کلیدی: صفویه، وزارت، تحرک اجتماعی، شایسته‌سالاری

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور Sasantahmasbi@pnu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۲۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۳/۱۶

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

A Study of Social Mobility and Meritocracy in the Safavid Era (By Emphasizing on the Vizierate)

Sasan Tahmasbi[۱]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

Abstract: Experience, family, talent, relationship and supporting the Safavids were the most important factors to acquire the vizierate office in the Safavid era. The role of the family was the most important one. Because most of the viziers came from high classes and the family situation affected other factors. Viziers whom were selected according to their experience and talents were chiefly capable and meritorious but a great number of the Viziers achieved the position of vizierate by relying on their family status and relationship with Emirs and courtiers while lacking enough merit. Using historical method and sociology theories, the paper aims to assess the measure of social mobility and meritocracy in the Safavid era. The findings of the paper shows while the Safavid society was flexible but was not meritocratic enough. There were many obstacles in the way of meritocracy. Half of the thirty viziers did not enjoy enough merits and only eight of them were meritorious.

Keywords: Safavids, vizierate, social mobility, meritocracy

1 Assistant professor, Payame Noor University, Sasantahmasbi@pnu.ac.ir

مقدمه

نابرابری‌های اجتماعی یکی از ویژگی‌های پایدار تاریخ ایران بوده است. با وجود این، جامعه ایران همواره قابلیت‌های انعطاف‌پذیری داشته است. دوره صفوی از این منظر برجستگی خاصی دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که در آن دوره، اصل شایسته‌سالاری غالب بود و هیچ مانعی بر سر راه ترقی افراد توانا و شایسته وجود نداشت. وجود افرادی مانند الله‌وردی‌خان، ساروتقی، محمد بیگ و محمدعلی بیگ این نظر را تقویت می‌کند. راجر سیوری[۱] جامعه دوره صفوی را فضیلت‌سالار می‌داند.[۲] باستانی پاریزی می‌نویسد: «وزرای دوره طلایی صفوی اغلب از طبقه پایین بودند و صرفاً از روی استعداد ذاتی و نبوغ خود انتخاب می‌شدند...».[۳]

در منابع این دوره رویکردهای متفاوتی نسبت به این مسئله دیده می‌شود. دلاواله[۴] به موروثی شدن القاب و مناصب و تداوم لقب خانی در بعضی از خانواده‌ها به مدت دویست سال اشاره می‌کند.[۵] تاورنیه[۶] هم می‌نویسد مناصب و مشاغل دولتی موروثی‌اند.[۷] اما در جای دیگر قصه آشنایی شاه‌عباس اول با محمدعلی بیگ (وفات ۱۰۶۱ ق.) و ارتقای او از سطح یک کودک چوپان تا ناظر بیوتات و ریاست خزانه شاه را ذکر می‌کند.[۸] در سفرنامه برادران شرلی، پس از نقل داستان شیرفروشی که مورد توجه شاه‌عباس قرار گرفت و فرمانده قراولان شاه و چهار هزار سرباز شد، آمده است: «شاه‌عباس غالباً اشخاص درجه پست را بدین قسم ترقی داده و به مراتب شئونات زیاد نائل ساخته».[۹]

در میان اندیشمندان دوره صفوی، دو گرایش متضاد نسبت به موروثی شدن مناصب وجود داشت. محقق سبزواری در مورد شرایط انتصاب وزرا می‌نویسد: «... و اولی آن است که به شرف علو نسب و سمو حسب و سمات رفعت و بزرگی آراسته بود تا تزلزل و تواضع نسبت به او بر اکابر و اعیان و امرا دشوار نباشد...».[۱۰] در مورد دبیران و منشیان نیز چنین نظری دارد:

---

1 Roger Savory.

۲ راجر سیوری (۱۳۷۸)، *ایران عصر صفوی*، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، ص۱۸۰.

۳ محمدابراهیم باستانی پاریزی (۱۳۶۲)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی علیشاه، ص۱۴۵.

4 Della Valle.

۵ پیترو دلاواله (۱۳۸۰)، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمود بهفروزی، ج۱، تهران: قطره، ص۴۹۰.

6 Tavernier.

۷ ژان باپتیست تاورنیه (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، اصفهان، کتابفروشی تأیید اصفهان، ص۵۷۱.

۸ همان، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۹ *سفرنامه برادران شرلی* (۱۳۸۷)، ترجمهٔ آوانس، تصحیح علی دهباشی، تهران: نگاه، ص۸۰.

۱۰ محمدباقر محقق سبزواری (۱۳۸۱)، *روضة الانوار عباسی*، تصحیح نجف لک‌زایی، قم: بوستان کتاب قم، ص۵۷۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

«... به اصالت نسب و شرف و حسب موسوم باشد و اگر بعضی از آبا او به این شغل موسوم و ممدوح باشد انسب خواهد بود».[۱] اما موسوی فندرسکی از زبان شاه صفی تأکید می‌کند که منصب به میراث نمی‌رسد.[۲]

برای ارزیابی صحت و سقم این نظرات و روایات در این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود: (۱) جامعه دوره صفوی از لحاظ میزان انعطاف‌پذیری چگونه بود؟ (۲) پایگاه اجتماعی خانوادگی وزرای اعظم دوره صفوی چگونه ارزیابی می‌شود؟ و (۳) در واگذاری منصب وزارت اعظم تا چه میزان به شایستگی‌های اشخاص توجه می‌شد؟

برای پاسخگویی به سؤالات فوق، ابتدا نظریه تحرک اجتماعی و نظام قشربندی اجتماعی دوره صفوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، وزرای آن دوره به تفکیک پادشاهان از منظر پایگاه اجتماعی خانوادگی، تجربیات آنها قبل از تصدی منصب وزارت، چگونگی و دلایل دستیابی به آن منصب و میزان شایستگی و توانایی‌ها هرکدام بررسی می‌شود تا مشخص شود که به چه قشری تعلقی داشتند و تا چه میزان برطبق اصول شایسته‌سالاری انتخاب شدند.

مبانی نظری

منظور از قشر اجتماعی گروهی از افراد انسانی است که یک یا چند صفت مشترک مانند مشاغل مشترک دارند. پایگاه اجتماعی به موقعیت و جایگاه اجتماعی اطلاق می‌شود که افراد در گروه یا در مرتبه اجتماعی یک گروه در قیاس با گروه‌های دیگر احراز می‌کنند. نظام‌های قشربندی اجتماعی از لحاظ میزان انعطاف‌پذیری متفاوت‌اند و به نظام‌های باز و بسته تقسیم می‌شوند. منظور از تحرک اجتماعی، جابجایی افراد از یک پایگاه اجتماعی به پایگاه دیگر است. پایگاه به تفاوت‌های موجود میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی اطلاق می‌گردد.[۳]

منظور از شایسته‌سالاری، نظامی است که افراد در آن علی‌رغم طبقه اجتماعی خود صرفاً از طریق سخت‌کوشی و با اتکا به توانایی‌ها و استعدادهای خود ارتقاء می‌یابند. عواملی مانند نژاد، قومیت و زمینه‌های اجتماعی در این روند نقشی ندارد و عدم قابلیت‌های ذاتی تنها مانع

---

۱ همان، ص۶۶۸.

۲ سید ابوطالب موسوی فندرسکی (۱۳۸۸)، *تحفة العالم*، تصحیح رسول جعفریان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص۱۲۲.

۳ محمد سلمان قائمی‌زاده (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی قشربندی و تحرک اجتماعی*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ص۷۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

موفقیت افراد است. در این پژوهش برخورداری از استعداد و تجربه کافی و عملکرد مؤثر و سازنده وزرا نشانه شایستگی آنها تلقی شده است و فقدان این امتیازات دلیلی برای اثبات بی‌لیاقتی آنها است.

نظام قشربندی اجتماعی در دوره صفوی

جامعه ایران دوره صفوی از لحاظ سهم مردم در قدرت و اداره کشور به دو بخش حاکم و محکوم قابل تقسیم است. بخش حاکم از اهل شمشیر و اهل قلم تشکیل می‌شد. طبقه محکوم دربرگیرنده بخش عمده جامعه بود که از ثروتمندترین بازرگانان تا فقیرترین کشاورزان را دربرمی گرفت. محقق سبزواری (وفات ۱۰۹۰ ق.) به‌عنوان بزرگ‌ترین سیاست‌نامه‌نویس دوره صفوی، مردم را به چهار بخش تقسیم می‌کند: (۱) علما و ارباب قلم، (۲) سپاه و حشم، (۳) اصحاب حرث و زراعت و (۴) پیشه‌وران و اصحاب حرف و صناعت.[۱]

با یک تقسیم‌بندی جدیدتر می‌توان جامعه دوره صفوی را براساس شاخص‌های طبقه اجتماعی که عبارت‌اند از شغل و ثروت به سه طبقه بالا، متوسط و پایین تقسیم کرد. هرچند استفاده از طبقه برای آن دوره چالش‌برانگیز است، اشارات منابع از این‌گونه تقسیم‌بندی حکایت دارد. در ذیل *عالم‌آرای عباسی* از سه واژه اعلی، اوسط و ادنی برای دسته‌بندی مردم استفاده می‌شود.[۲] خواندمیر واژه‌های اعالی، ادانی و اوساط الناس را به‌کار می‌برد.[۳] سام میرزا در بیان پایگاه اجتماعی شعرا از واژگانی استفاده می‌کند که حاکی از یک قشربندی اجتماعی بر مبنای مشاغل موروثی است. واژه‌هایی مانند بزرگ‌زاده، امیرزاده، ملک‌زاده، شیخ‌زاده، قاضی‌زاده، وزیرزاده و ملازاده در اثر او مکرر استفاده شده است.[۴]

این قشربندی نشان می‌دهد که بسیاری از مشاغل موروثی بودند، اما برای بررسی دقیق‌تر، بر وزرای اعظم تمرکز می‌شود و چون بعد از شاه‌عباس اول، تغییرات زیادی در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور ایجاد شد که بر میزان تحرک اجتماعی تأثیرگذار بود، این بررسی به دو

---

۱ محقق سبزواری، همان، ص۵۲۰.

۲ اسکندر بیگ ترکمان منشی و محمد یوسف مورخ (۱۳۱۷)، *ذیل عالم‌آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ص۱۲.

۳ امیر محمود خواندمیر (۱۳۷۰)، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی*، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: گستره، صص۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۳.

۴ سام میرزا صفوی (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر، صص۶۰، ۷۹، ۹۵، ۱۲۹، ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۷۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

مقطع قبل و بعد از شاه عباس اول تقسیم می‌شود.

از شاه اسماعیل اول تا شاه‌عباس اول (محدودیت تحرک اجتماعی)

شاه اسماعیل با اتکا به قزلباش‌ها به قدرت رسید. بنابراین بخش عمده‌ای از قدرت به قزلباش‌ها اختصاص یافت. ایالات کشور بین قبایل قزلباش تقسیم شدند و حکومت ایالات در انحصار قزلباش‌ها قرار گرفت. هرچند استثناهایی هم وجود داشت، این عرصه در اختیار اهل شمشیر بود و تاجیک‌ها از مجرای حکومت ایالات نمی‌توانستند تحرک اجتماعی داشته باشند. قزلباش‌ها علاوه بر حکومت ایالات تمام مناصب عالی‌رتبه ارتش را نیز به انحصار خود درآورده بودند. البته شاه اسماعیل، منصب امیرالامرایی را از سال ۹۱۴ق. تا سال ۹۲۰ق. به تاجیک‌ها واگذار کرد، اما این منصب دوباره در اختیار قزلباش‌ها قرار گرفت.[۱] انحصار قزلباش‌ها در مناصب نظامی تا دوره شاه‌عباس اول ادامه یافت. در زمینه مناصب دیوانی، شرایط برای عامه مردم یعنی تاجیک‌ها مناسب‌تر بود و منصب وزارت اعظم به‌جز چند مورد به تاجیک‌ها واگذار شد.

- شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ق.)

شاه اسماعیل چهار وزیر اعظم داشت: میرزا زکریا کججی (۹۰۷-۹۱۸ق.)، ملک محمود جان دیلمی (۹۰۸-۹۲۰ق.)، میرزا شاه حسین اصفهانی (۹۲۰-۹۲۹ق.) و خواجه جلال‌الدین محمد کججی (۹۲۹-۹۳۰ق.). میرزا زکریا از سادات کججی تبریز بود که پیش از صفویه در شهر تبریز صاحب نفوذ بودند. علاءالدین صدیق کججی وزیر جهانشاه قراقویونلو (۸۴۱-۸۷۲ق.) و اوزون حسن آق قویونلو (۸۵۴-۸۸۳ق.) بود.[۲] شیخ محمد کججی در قدرت‌گیری رستم میرزا آق قویونلو نقش مهمی داشت.[۳] هرچند نسبت این دو صاحب منصب با امیر زکریا مشخص نیست اما نشان‌دهنده نفوذ خاندان کججی در دولت‌های پیش از صفویه است. میرزا زکریا وزیر الوند بیگ آق قویونلو (۹۰۳-۹۰۷ق.) بود و پیش از فتح تبریز به شاه اسماعیل ملحق شد.[۴]

---

۱ ویلم فلور (۱۳۸۸)، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: آگه، صص۳۸-۴۰.

۲ ابوبکر طهرانی (۲۵۳۶)، *کتاب تاریخ دیاربکریه*، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه طهوری، صص۴۳۵، ۴۳۹.

۳ بوداق منشی قزوینی (۱۳۷۸)، *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب، ص۹۳.

۴ عبدی بیک نویدی شیرازی (۱۳۶۹)، *تکملة‌الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نی، ص۳۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

ملک محمود جان دیلمی، دومین وزیر و شریک میرزا زکریا، ابتدا وزیر رستم میرزا آق قویونلو (۸۹۷-۹۰۲ ق.) بود.[۱] اما منابع صفوی او را وزیر سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۸۳-۸۹۶ ق.) می‌دانند.[۲] خانواده ملک محمود جان از اعیان شهر قزوین بودند، خودشان را از نسل مالک اشتر می‌دانستند[۳] و در دولت آق قویونلو صاحب نفوذ بودند. شاه عمادالدین سلمان دیلمی (م ۸۸۳ ق.) وزیر سلطان خلیل آق قویونلو (۸۸۳-۸۸۴ ق.) بود.[۴]

امیر زکریا در سال ۹۱۸ ق. درگذشت.[۵] ملک محمود جان در اواخر عمر از وزارت کناره‌گیری کرد و در سال ۹۲۰ ق. از دنیا رفت.[۶] تاریخ کناره‌گیری او مشخص نیست، اما مسلم است که منصب وزارت اعظم برای مدتی فاقد متصدی بود. میرزا زکریا و ملک محمود به دلیل حمایت از دولت نوظهور صفوی وارد دستگاه اداری صفوی شدند. البته سیادت امیر زکریا و تشیع آن دو در انتخابشان تأثیرگذار بود. آنها در شرایطی به وزارت رسیدند که گزینه‌های اندکی برای تصدی آن منصب وجود داشت، چون بیشتر دیوان‌سالاران از مقابل شاه اسماعیل گریخته بودند. بنابراین، در مورد میزان شایستگی‌شان به‌درستی نمی‌توان قضاوت کرد. عملکرد آنها پیش از صفویه و پس از آن مشخص نیست.

پس از مرگ آن دو وزیر، قدرت فائقه وکیل نفس نفیس همایون، مقام وزارت را تحت‌الشعاع قرار داد. میرزا شاه حسین اصفهانی در سال ۹۲۰ ق. هر دو منصب را برعهده گرفت و بیشتر به‌عنوان وکیل شناخته می‌شد.[۷] هرچند از عنوان وزیر هم برای او استفاده می‌شود.[۸] میرزا در ابتدا به شغل بنایی و معماری مشغول بود. پس از فتح شهر اصفهان به دست شاه اسماعیل در سال ۹۱۰ ق. به او پیوست و در اولین گام وزیر دورمیش خان شاملو (م ۹۳۱ ق.) حاکم اصفهان شد.[۹] «بعد از آن به‌واسطه هرگونه خدمات لایقه که نسبت به حضرت

---

۱ منشی قزوینی، همان، صص۹۳-۹۴.

۲ حسن بیک روملو (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک، ص۱۹۹.

۳ سام میرزا صفوی، همان، ص۹۱.

۴ فضل‌الله روزبهان خنجی اصفهانی (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب، صص۱۲۲، ۱۶۴.

۵ قاضی احمد قمی (۱۳۸۳)، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ص۱۲۴.

۶ یحیی‌بن‌عبداللطیف قزوینی (۱۳۸۶)، *لب التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص۲۸۷.

۷ نویدی شیرازی، همان، ص۷۰، ۷۸.

۸ میرزا بیگ‌جنابذی (۱۳۶۷)، *روضة الصفویه*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، صص۲۹۲، ۳۱۱، ۳۵۳.

۹ *جهانگشای خاقان* (۱۳۵۰)، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص۱۸۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

پادشاه بنده‌پرور کرده بود خصوصاً در چمن چالدران کمال جان‌سپاری از او بظهور رسیده منظور نظر عواطف خاقانی و مشمول مراحم سلطانی شده بامر جلیل‌القدر وکالت شرف اختصاص یافت».[۱] وی به‌عنوان وزیر دورمیش که در آن زمان حاکم خراسان بود، در جنگ چالدران حضور داشت و چون دو تن از زنان شاه را از میدان جنگ بیرون آورد و مانع اسارت آنها شد، مورد توجه شاه قرار گرفت و به‌جای امیر عبدالباقی منصب وکالت را به دست آورد.[۲] دست‌یابی وی به مقام وزارت و وکالت را می‌توان نمونه‌ای انکارناپذیر از تحرک اجتماعی در این دوره دانست. تشیع وی در این ارتقاء نقش زیادی داشت، چون «از محبان خاندان مصطفی و مرتضی» بود.[۳] البته مسلماً شاه به استعدادهایش پی برده بود. میرزا شخصیتی قوی داشت. تسلیم خواسته‌های امرای قزلباش نمی‌شد و جلوی سوءاستفاده‌های آنان را گرفت «...مهمات ملکی و مالی سرکار دیوان اعلی را بر نهجی به انجام مقرون می‌گردانید که مزیدی بدان متصور نبود...».[۴] به دلیل داشتن همین قابلیت‌ها به دست امرای قزلباش به قتل رسید.[۵] بنابراین، انتخاب او را می‌توان مطابق اصول شایسته‌سالاری دانست.

پس از او نایبش خواجه جلال‌الدین محمد کججی هر دو منصب وکالت و وزارت اعظم را عهده‌دار شد.[۶] اسکندر بیگ ترکمان، خواجه جلال‌الدین را از خاندان کججی می‌داند.[۷] اما سایر منابع او را فقط تبریزی می‌نامند.[۸] به نظر نمی‌رسد که اسکندر بیگ مرتکب اشتباه شده باشد. بدین ترتیب، وی دومین عضو خاندان کججی است که به منصب وزارت دست پیدا می‌کند. سابقه کاری او مشخص نیست. به‌احتمال‌زیاد با حمایت امیر زکریا وارد دیوان شد و ترقی کرد، اما پیش از رسیدن به وزارت، به مدت نه سال نایب وکیل بود. بنابراین، تجربه کافی به دست آورده بود. جنابذی درایت و کاردانی او را می‌ستاید.[۹] گفته‌های او را می‌توان قابل قبول دانست، بنابراین کججی نسبتاً شایسته بود، هرچند فرصتی برای اثبات شایستگی خود پیدا نکرد.

---

۱ همان، ص۶۰۱.
۲ همان، ص۵۰۹.
۳ قمی، همان، ج ۱، ص۱۴۹.
۴ جنابذی، همان، ص۳۵۳.
۵ غیاث‌الدین‌خواندمیر (۱۳۵۳)، *حبیب السیر*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، ج ۴، تهران: کتابفروشی خیام، ص۵۹۵.
۶ منشی قزوینی، همان، صص۱۳۸-۱۳۹.
۷ اسکندر بیگ ترکمان منشی (۱۳۸۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ص۱۵۹.
۸ روملو، همان، ص۲۳۵؛ نویدی شیرازی، همان، ص۵۹.
۹ جنابذی، همان، ص۳۵۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

- شاه‌طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق.)

وزرای اعظم شاه‌طهماسب عبارت‌اند از: خواجه جلال‌الدین محمد کججی (۹۳۰ ق.)، قاضی جهان قزوینی (۹۳۰-۹۳۲ ق.)، میرجعفر ساوجی (۹۳۲-۹۳۸ ق.)، احمد بیک نوری کمال (۹۳۸-۹۴۱ ق.)، میرعنایت‌الله خوزانی (۹۴۱-۹۴۲ ق.)، قاضی جهان قزوینی (۹۴۲-۹۵۷ ق.)، میرزا بیک ابهری (۹۵۷-۹۶۰ ق.) و معصوم بیک شیخاوند (۹۶۰-۹۷۶ ق.).

دهه اول پادشاهی شاه‌طهماسب دستخوش آشوب و کشاکش امرا بود. خواجه جلال‌الدین کججی به تحریک دیو سلطان کشته شد. به‌جای او قاضی جهان منصب وزارت و وکالت را عهده‌دار گردید.[۱] اولین بار، ذیل وقایع سال ۹۱۴ ق. به قاضی جهان اشاره می‌شود، چون از طرف شاه اسماعیل مأموریت یافت نهری از فرات به شهر نجف بکشد.[۲] اولین منصب قاضی جهان، نیابت میرزا شاه حسین، وزیر شاه اسماعیل، بود.[۳] چون قاضی جهان متحد کپک سلطان استاجلو بود، پس از دو سال توسط دیوسلطان روملو عزل شد و به رشت گریخت. دیوسلطان به‌جای او میرجعفر ساوجی وزیر زین‌الدین سلطان شاملو، حاکم سابق عراق عرب را انتخاب کرد.[۴] زین‌الدین سلطان در این مقطع حاکم اسفراین بود و شاملوها از دیوسلطان حمایت کردند.[۵]

میرجعفر به دیوسلطان پیوست و با حمایت او وزیر اعظم شد. دیوسلطان در سال ۹۳۳ ق. به دست چوهه سلطان تکلو به قتل رسید. اما باز هم میرجعفر منصب خود را حفظ کرد تا اینکه در سال ۹۳۸ ق. حسین‌خان شاملو بر چوهه سلطان تکلو غلبه کرد و میرجعفر را به قتل رساند.[۶] میرجعفر پیش از تصدی منصب وزارت تجربه کافی نداشت و دست‌نشانده امرا بود. به نوشته منشی قزوینی «اعتبار وزراء سابق را نداشت...».[۷] عملکرد وی در این مقطع کوتاه صحت گفته‌های منابع را اثبات می‌کند.

---

۱ همان، ص۳۵۵.

۲ خورشاه‌بن‌قباد الحسینی (۱۳۷۶)، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص۳۶.

۳ منشی قزوینی، همان، ص۱۴۷.

۴ قمی، همان، ج ۱، صص۱۶۰، ۲۱۸.

۵ خورشاه‌بن‌قباد الحسینی، همان، ص۸۷.

۶ قمی، همان، ج ۱، صص۲۱۸،۱۶۰.

۷ منشی قزوینی، همان، ص۱۵۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

احمد بیک نوری کمال «که سالها منتظر الوزاره بود» وزیر اعظم شد. او مدتی ملازم دورمیش خان شاملو، حاکم خراسان، بود. سپس، وزیر حسین‌خان شاملو شد.[۱] در آن شرایط آشفته، با حمایت حسین‌خان هر دو منصب وزارت و وکالت را به دست آورد.[۲] قمی از وی به‌عنوان وزیر دیوان اعلی یاد می‌کند و برادرش غیاث‌الدین محمود را وزیر جزء می‌داند[۳] احمد بیک تجربه کافی نداشت، دست‌نشانده امرا بود و با شایستگی انتخاب نشد. با کشته شدن حسین‌خان شاملو در سال ۹۴۱ ق، احمد بیک عزل شد و مناصب وکالت و وزارت را به میرعنایت‌الله خوزانی و خواجه معین‌الدین واگذار کردند. خواجه عنایت پیش از آن، وزیر کپک سلطان استاجلو (م ۹۳۳ ق.) بود.[۴] تأکید منابع بر میرعنایت نشان می‌دهد که زمام امور در دست وی بود و میبدی نیابتش را بر عهده داشت. وی از تجربه کافی برخوردار نبود و مشخص نیست که چگونه به منصب وزارت دست یافت. به‌احتمال‌زیاد، او را امرای ذی‌نفوذ به شاه تحمیل کردند.

قاضی جهان در صفر سال ۹۴۲ ق. از گیلان برگشت و هر دو منصب وزارت و وکالت را به شراکت با میرعنایت بر عهده گرفت. میرعنایت کمی بعد کشته شد و قاضی جهان مستقلاً زمام امور را در دست گرفت.[۵] تا اینکه در سال ۹۵۵ ق. از مقام خود کناره‌گیری کرد.[۶] زیرا شاه تمایل داشت: «بدقایق امور بنفس نفیس باز رسند». بنابراین، به خواسته‌های قاضی جهان بی‌توجهی می‌کرد. قاضی رنجیده‌خاطر شد و به بهانه کهولت سن استعفا داد.[۷] وی به دلیل سیادت، داشتن مذهب تشیع یا پذیرش به‌موقع آن موردتوجه شاه اسماعیل اول قرار گرفت و وارد دیوان شد. با وجود این، تجربه نسبتاً کافی برای تصدی منصب مهم وزارت اعظم کسب کرده بود. این مسئله در انتخاب دوباره او تأثیر بیشتری داشت. روملو او را لایق و فرهیخته می‌داند.[۸] عملکرد او و پیشینه‌اش نظر روملو را تأیید می‌کند. بنابراین، با شایستگی انتخاب شد.

جانشین او میرزا بیک ابهری، وزیر سوند بیک قورچی باشی افشار بود.[۹] میرزا بیک

---

۱ قمی، همان، ج ۱، صص۱۶۶، ۲۳۶.
۲ جنابذی، همان، ص۴۱۶.
۳ قمی، همان، ج ۱، ص۲۱۸.
۴ منشی قزوینی، همان، صص۱۸۰-۱۸۱.
۵ جنابذی، همان، صص۸۱، ۸۵.
۶ خورشاه بن قباد الحسینی، همان، ص۱۶۳.
۷ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۰.
۸ روملو، همان، صص۴۸۰-۴۸۱.
۹ منشی قزوینی، همان، ص۳۳۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

کم‌تجربه بود. چون سوند بیک افشار نفوذ زیادی در دربار شاه‌طهماسب داشت، مسلماً با حمایت او به وزارت رسید. سکوت منابع در مورد او نشان می دهد که شخصیت تأثیرگذاری نبود. سرنوشت او مشخص نیست. به نظر می‌رسد که در سال ۹۶۰ ق. عزل شد یا درگذشت، چون در آن سال قاضی جهان تصمیم گرفت دوباره مناصب سابق را به دست آورد. اما شاه پیش‌دستی کرد و هر دو منصب را به معصوم بیک واگذار نمود. قاضی جهان اندکی بعد درگذشت.[۱]

معصوم بیک شیخاوند از نسل شیخ جنید و عموزاده خاندان صفوی بود. در دربار شاه‌طهماسب نفوذ زیادی داشت. ابتدا قورچی بود. سپس متولی بارگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی شد.[۲] پس از آن، به مدت چهار سال منصب دیوان‌بیگی را بر عهده گرفت.[۳] در سال ۹۷۶ ق. در مسیر سفر حج به دست عثمانی‌ها کشته شد.[۴] وی پیش از تصدی منصب وزارت اعظم تجربه کافی کسب کرده بود، اما نقشی در گردش امور دیوان نداشت. دلیل انتخاب او، تمایل شاه برای تسلط بر امور دیوان و جلوگیری از قدرت گیری دوباره قاضی جهان بود. پس از مرگ او، شاه کسی را به‌عنوان وزیر اعظم و وکیل انتخاب نکرد.[۵]

– شاه اسماعیل دوم (۹۸۴–۹۸۵ ق.)

شاه اسماعیل دوم دو وزیر اعظم داشت: میرزا شکرالله اصفهانی (۹۸۴–۹۸۵ ق.) و میرزا سلمان جابری (۹۸۵ ق.).

میرزا شکرالله، فرزند میرزا حبیب‌الله اصفهانی صاحب توجیه دیوان اعلی[۶] در زمان شاه‌طهماسب بود.[۷] وی در اواخر دوره شاه‌طهماسب وزیر خراسان شد و مدتی نیز مستوفی‌الممالک بود.[۸] دوره وزارتش کوتاه بود، چون شاه بعضی از رفتارهایش را نمی‌پسندید.[۹] روملو او را «روشن‌ضمیر و صاحب کفایت و خردمند و صاحب تدبیر» توصیف می‌کند.[۱۰]

---

۱ روملو، همان، ص۴۸۳.
۲ نویدی شیرازی، همان، ص۹۵.
۳ قمی، همان، ج ۱، ص۳۶۶.
۴ روملو، همان، ص۵۷۰.
۵ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۱.
۶ در مورد این منصب رجوع کنید به: میرزا علی‌نقی نصیری (۱۳۷۱)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی، صص۵۷–۵۸.
۷ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۱۶۲، ۱۶۵.
۸ افوشته‌ای نطنزی (۱۳۷۳)، *محمودبن‌هدایت الله، نقاوة الاثار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی، ص۲۹.
۹ همان، ص۵۳.
۱۰ روملو، همان، ص۶۳۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

وی پس از برکناری از وزارت باز هم در دستگاه اداری باقی ماند. مدتی وزیر خراسان و متولی بارگاه امام رضا (ع) شد.[۱] از سال ۹۹۴ ق. تا ۹۹۸ ق. نیز مستوفی‌الممالک بود.[۲] بنابراین، همان‌طور که روملو اذعان کرد، می‌توان گفت که نسبتاً شایستگی داشت.

در اوایل سال ۹۸۵ ق. میرزا سلمان جابری از خاندان جابری اصفهان وزیر اعظم شد. منابع او را از اعیان اصفهان می‌دانند.[۳] پدر او موسوم به نام آقا میرزاعلی جابری در زمان شاه‌طهماسب، وزیر ابراهیم‌خان ذوالقدر حاکم فارس شد. میرزا سلمان در زمان اقامت در فارس «اکتساب فضایل و کمالات نموده». سپس به آذربایجان رفت و با حمایت میرزا عطاالله اصفهانی، وزیر آن ایالت، مأمور ممیزی مالیات آنجا شد. پس از مدتی، میرزا عطاالله او را به دربار شاه فرستاد «چون آثار قابلیت و کاردانی در ناصیه احوالش هویدا بود» مورد توجه شاه قرار گرفت. در سال ۹۷۳ ق. ناظر بیوتات خاصه شد و به سلک مقربان مجلس شاه پیوست.[۴] هرچند خانواده‌اش از اعیان بودند و از حمایت وزیر آذربایجان برخوردار شد، بیش از هر چیز به توانایی‌های خودش متکی بود. افوشته‌ای نطنزی با تمجید از او تأکید می‌کند که «قابلیات ذاتی و استعدادات کسبی باعث ترقی و اشتهار آنجناب گردید».[۵] عملکرد او و تلاش‌هایش برای مقابله با قزلباش‌ها صحت گفته‌های افوشته‌ای را اثبات می‌کند.

– شاه محمد خدابنده (۹۸۵–۹۹۶ ق.)

شاه محمد خدابنده پنج وزیر داشت: میرزا سلمان جابری (۹۸۵–۹۹۱ ق.)، میرزا هدایت‌الله (۹۹۱–۹۹۴ ق.)، شاه قوام‌الدین محمد اصفهانی (۹۹۴ ق.)، میرزا لطف‌الله شیرازی (۹۹۴–۹۹۶ ق.) و میرزا محمد کرمانی (۹۹۶ ق.).

شاه محمد، میرزا سلمان را در مقام خود ابقا کرد. با قتل او در سال ۹۹۱ ق. میرزا هدایت‌الله وزیر اعظم شد.[۶] او فرزند خواجه شاه حسین ساروئی، مستوفی‌الممالک شاه‌طهماسب بود. ابتدا وزیر ترخان[۷] و سپس وزیر گیلان بیه پس شد.[۸] در سال ۹۸۴ ق. ناظر

۱ قمی، همان، ج ۱، ص۱۷۳؛ ج ۲، ص۶۷۳.
۲ همان، صص۸۱۶، ۹۲۱.
۳ جنابذی، همان، ص۵۹۱؛ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۲۸۸.
۴ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۳.
۵ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص۱۴۴-۱۴۵.
۶ قمی، همان، ج ۲، صص۷۴۷- ۷۴۸.
۷ وظایف این منصب در منابع ذکر نشده است.
۸ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۱۶۲، ۱۶۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

دفترخانه همایون و سپس مستوفی‌الممالک شد.[۱] بنابراین، تجربه کافی کسب کرده بود و شایستگی نسبی داشت. البته دست‌یابی‌اش به منصب وزارت اعظم با دخالت امرا و در شرایطی انجام شد که میرزا محمد کرمانی منشی‌الممالک «مستعد امر وزارت بود و به رشد و کاردانی و قابلیت و وجاهت در میانه ممتاز افتاده بود»، اما به سبب قتل میرزا سلمان و خطیر بودن جایگاه وزیر از پذیرش آن خودداری کرد.[۲]

در سال ۹۹۴ ق. امرای ترکمان و تکلو در اقدامی که به کودتا شباهت داشت «دفترهای شاهی که در دفترخانه همایون بود به دست گرفته ارباب مناصب از تاجیکان تعیین فرمودند». میرزا هدایت‌الله عزل شد و به‌جای او شاه قوام‌الدین محمد فرزند میرتقی‌الدین محمد اصفهانی، صدر شاه‌طهماسب و از اعیان اصفهان منصب وزارت را بر عهده گرفت. ابتدا منصب صدر را به او پیشنهاد دادند. اما «بواسطه دخترزادگی نواب غفران پناه قاضی جهان شاغل امر وزارت گشت». وی کوتاه‌مدتی بعد کشته شد.[۳] صرفاً به سبب موقعیت خانواده‌اش انتخاب شد و دست‌نشانده امرا بود.

با قتل او، میرزا لطف‌الله یا میرزا لطفی شیرازی وزیر اعظم شد. مادرش از سادات عضدیه شیراز بود. ابتدا وزیر شاه ولی سلطان ذوالقدر حاکم مشهد شد.[۴] مدتی نیز وزیر برادرش شاهرخ خلیفه ذوالقدر مهردار بود. در زمان شاه اسماعیل دوم مدتی دیوان‌بیگی شد. در زمان شاه محمد وزارت شاهزاده حمزه میرزا را به‌دست آورد.[۵] وی با حمایت امرای ذوالقدر ترقی کرده بود، اما تجربه کافی به دست آورد و برای تصدی منصب وزارت نسبتاً شایسته بود.

با عزل وی در سال ۹۹۶ ق. میرزا محمد کرمانی که «آبا و اجداد او در این سلسله رفیعه پیوسته باشتغال مناصب جلیله مثل وزارت و انشاء و غیرهما سرافراز و بین الاقران ممتاز بوده...» وزیر اعظم شد.[۶] به نوشته قمی، وی فرزند خواجه علی بیک سرخ کرمانی خویشاوند میرزا زکریا کججی و دخترزاده خواجه میرک (متوفی ۹۴۳ ق.) منشی‌الممالک شاه‌طهماسب بود و «بدان نسبت و خویشی مدتی در دارالانشاء خدمت نمود و از آنجا بمجلس اشرف افتاده

۱ قمی، همان، ج ۲، صص۶۲۳، ۷۲۴.
۲ همان، ص۷۴۸.
۳ همان، صص۸۱۶، ۸۲۵.
۴ همان، ص۶۲۷.
۵ قمی، همان، ج ۲، ص۷۴۸.
۶ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص۲۹، ۲۲۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

و مدتی انشاء کرد...».[۱] اما به نوشته اسکندر بیگ مادرش از سادات کججی بود و با محمدی میرزا کججی نسبت خویشاوندی داشت.[۲] میرزا در زمان شاه‌طهماسب ابتدا وزیر اردبیل بود.[۳] سپس مجلس‌نویس و منشی‌الممالک شد. در دوره شاه اسماعیل دوم در این مقام ابقاء گردید و «بنابر قابلیات ذاتیه و اکتساب فضایل آتیه و حیثیات لازمه...بمراتب علیه مستعسد و بر مدارج سنیه مستعلی گشت...».[۴] در زمان شاه محمد ابتدا مغضوب و جریمه شد. مدتی نیز بیکار بود تا این که با وساطت برخی از ارکان دولت ابتدا وزیر بعضی از مناطق عراق عجم و سپس مستوفی‌الممالک شد.[۵] به گفته قمی در فن انشاء نظیر نداشت.[۶] اسکندر بیگ او را لایق و با استعداد می‌داند.[۷] چون مناصب متعددی را تجربه کرده بود، گفته‌های منابع در مورد توانایی‌های او را می‌توان پذیرفت. بنابراین، برای تصدی منصب وزارت شایستگی نسبی داشت.

از شاه‌عباس اول تا سقوط صفویه (هموار شدن مسیر تحرک اجتماعی و شایسته‌سالاری)

شاه‌عباس اول دست به اصلاحاتی زد که راه برای تحرک اجتماعی هموارتر کرد و زمینه‌ساز ترقی افرادی شد که درب‌های تحرک به روی آنها بسته بود. کاستن از قدرت قزلباش‌ها و به‌کارگیری عناصر گرجی، چرکس و ایرانی در ارتش مهم‌ترین اقدام شاه در این زمینه بود و ارتش به یکی از مجراهای اصلی تحرک اجتماعی تبدیل شد. بسیاری از حکام و دیوان‌سالاران از این مجرا وارد ساخت قدرت شدند. برخی از گرجی‌ها و چرکس‌هایی که به رده‌های بالای ارتش و حکومت ایالات دست یافتند، از نجبای قوم خود بودند. برخی نیز به مردم عادی تعلق داشتند که در جنگ‌ها به اسارت درآمده بودند و با حمایت شاه مراحل ترقی را طی کردند. تفنگچی‌های ایرانی اعم از روستایی، شهری و ایلی عمدتاً از اقشار پایین جامعه یا ایلات و قبایلی بودند که پیش از شاه‌عباس اول نقشی در ساختار قدرت نداشتند. به‌عنوان نمونه، ایل زنگنه از این تغییرات برای تحرک تا بالاترین سطوح یعنی وزارت اعظم سود برد. درحالی‌که، پیش از شاه‌عباس نامی از آن ایل در منابع نیست.

---

۱ قاضی احمد قمی (۱۳۶۶)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابخانه طهوری، ص۵۳.
۲ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۷؛ ج ۳، ص۱۰۹۰.
۳ قمی، خلاصة التواریخ، ج ۲، ص۱۰۱۸.
۴ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص۲۹-۳۰.
۵ همان، صص۶۵-۶۶.
۶ قمی، همان، ج ۲، ص۶۲۳.
۷ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

دومین اقدام مهم شاه‌عباس در راستای تحرک اجتماعی، اجرای سیاست خاصه‌سازی بود. این سیاست امرای قزلباش و بعداً امرای گرجی را از حکومت بیشتر ایالات محروم کرد و راه برای قدرت‌گیری تاجیک‌ها فراهم آورد، زیرا امور ایالت در اختیار وزرای ایالات قرار گرفت که از میان دیوان‌سالاران ایرانی انتخاب می‌شدند. براندازی حکومت‌های محلی مانند آل کیا و ملوک لار هم نتایج مشابهی به همراه داشت. برخی از تاجیک‌ها، بدین ترتیب وارد دستگاه دیوانسالاری شدند و مراحل تحرک را تا بالاترین سطوح طی کردند. به‌عنوان‌مثال، بعد از فرار خان احمد و انقراض آل کیا حکومت گیلان به وزرایی مانند میرزا شفیع خراسانی (میرزای عالمیان)، میرزا تقی اصفهانی (ساروتقی)، بهزاد بیک استرآبادی و فرزندش اصلان بیک واگذار شد.[۱]

– شاه‌عباس اول (۹۹۶–۱۰۳۸ ق.)

در این دوره هفت نفر بر مسند وزارت اعظم تکیه زدند: میرزا شاه‌ولی اصفهانی (۹۹۶–۹۹۷ ق.)، میرزا محمد کرمانی (۹۹۷ ق.)، میرزا لطف‌الله شیرازی (۹۹۷–۱۰۰۰ ق.)، حاتم بیک اردوبادی (۱۰۰۰–۱۰۱۹ ق.)، ابوطالب بیگ اردوبادی (۱۰۳۰–۱۰۱۹ ق.)، سلمان خان استاجلو (۱۰۳۰–۱۰۳۳ ق.) و خلیفه سلطان (۱۰۳۳–۱۰۳۸ ق.).

میرزا شاه‌ولی نوه میرزا عطاالله اصفهانی، برادرزاده میرعنایت‌الله خوزانی، وزیر آذربایجان، شیروان و شکی در زمان شاه‌طهماسب بود.[۲] پدر میرزا شاه‌ولی به نام میرزا احمد در زمان شاه‌طهماسب مدتی وزیر شوشتر و خوزستان بود. سپس وزیر مرشد قلی خان، حاکم خراسان شد.[۳] میرزا شاه‌ولی با مرگ پدرش در سال ۹۹۰ ق. جای او را گرفت و با کمک مرشد قلی خان وزیر اعظم شد. قمی در مورد نقش مرشد قلی خان در این جریان می‌نویسد: «...و سبق خدمت بواسطه پدرش مرحوم میرزا احمد و خود به مرشد قلی خان داشت... السابقون السابقون اولئک هم المقربون».[۴] میرزا شاه‌ولی تجربه کافی نداشت و برکشیده مرشد قلی خان بود. بنابراین، با شایستگی انتخاب نشد.

با قتل مرشد قلی خان در سال ۹۹۷ ق. میرزا شاه‌ولی عزل شد و میرزا محمد کرمانی بار

۱ عبدالفتاح فومنی (۱۳۴۹)، *تاریخ گیلان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران‌زمین، ص۱۷۲.
۲ افوشته‌ای نطنزی، همان، ص۲۸۷؛ قمی، همان، ج ۱، ص۲۳۶؛ منشی قزوینی، همان، ص۲۱۷.
۳ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۱۷۲، ۲۲۷.
۴ قمی، همان، ج ۲، ص۸۶۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

دیگر وزیر اعظم شد. انتخاب وی به مقام وزارت با شایستگی انجام شد. چون در دوره شاه محمد تجربه کافی کسب کرده بود. اما پس از شش ماه، امرای قزلباش که «طاقت بار شکوه و شأن آن وزیر آصف مکان را نداشتند» علیه وزیر توطئه کردند. شاه او را عزل کرد و در خفا به دست امرا کشته شد.[۱] پس از او میرزا لطف‌الله وزیر اعظم شد. او در زمان شاه محمد وزیر اعظم بود. در ابتدای دوره شاه‌عباس تنزل مقام یافته و وزیر شاهزاده زینب بیگم (دختر شاه‌طهماسب) شده بود.[۲] به‌احتمال‌زیاد، با حمایت زینب خانم که در آن زمان نفوذ زیادی در دربار داشت، به وزارت رسید.

جانشین او حاتم بیک اردوبادی فرزند ملک بهرام کلانتر اردوباد بود. وی در زمان شاه‌طهماسب و پس از مرگ پدرش ابتدا کلانتر اردوباد، سپس وزیر بوداق روملو، حاکم خوی، شد. در زمان شاه محمد وزیر ولی خان افشار، حاکم کرمان، شد. شاه‌عباس در سال ۹۹۹ ق. با توصیه و اصرار فرهاد خان قرامانلو – یکی از امرای معتبر دربارش– منصب مستوفی‌الممالک را به او واگذار کرد. سال بعد، وزیر اعظم شد و تا سال ۱۰۲۰ ق. عهده‌دار این منصب بود.[۳] وی تجربه کافی در امور اداری داشت و «بوفور دانش... موصوف و معروف بود»[۴] به‌راستی شایسته‌ترین وزیر شاه‌عباس به شمار می‌آید.

پسر و جانشین او ابوطالب بیک بدون داشتن سابقه در سنین جوانی عهده‌دار این منصب مهم شد و ده سال در آن مقام باقی ماند[۵] انتخاب او بدون داشتن تجربه کافی نشان‌دهنده غلبه اشراف‌سالاری بر شایسته‌سالاری است. جنابذی در توصیف او می‌نویسد: «در علم سیاق و حساب و فنون و شعر و انشا از صاحبان آن فنون گوی تفوق می ربود».[۶] اما مسلم است که صرفاً به دلیل این که فرزند وزیر اعظم بود، این بخت را داشت تا بدون کسب تجربه به منصب مهم وزارت دست یابد. شاه‌عباس از عملکرد او رضایت نداشت. «و اگر از جهالت و غرور و نفس و نشاء شراب جوانی ارتکاب اموری که لازمه ایام است می‌نمود از کمال مرحمت و حق‌گذاری خدمات سابقه و لاحقه از آن اغماض فرموده بتغافل پادشاهانه می گذرانیدند تا آن‌که اراده خاطر اشرف بآن

۱ افوشته‌ای نطنزی، همان، ص۳۱۵.
۲ قمی، همان، ج ۲، ص۸۸۹.
۳ ترکمان منشی، همان، ج ۲، صص۷۲۵-۷۲۶؛ ملاجلال منجم یزدی (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی*، تصحیح سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید، صص۸۳، ۸۸، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۷.
۴ ترکمان منشی و مورخ، همان، صص۱۴۲-۱۴۳.
۵ همان، صص۱۴۱-۱۴۷.
۶ جنابذی، همان، ص۸۱۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

متعلق گشت که او را از این خدمت معاف دارند...».[۱]

سلمان خان استاجلو فرزند شاه قلی سلطان (م ۹۸۴ ق.) و نوه عبدالله خان (م ۹۷۳ ق.) از امرای معتبر دوره شاه‌طهماسب بود. در سال در ۹۸۸ ق. حاکم بخشی از شیروان شد. در سال ۹۹۱ ق. حاکم خراسان بود.[۲] للگی محمد میرزا (شاه محمد خدابنده بعدی) را نیز بر عهده داشت. پس از آن، حاکم ایروان شد.[۳] در سال ۱۰۲۱ ق. حکومت قزوین را به دست آورد، اما به دلیل ارتکاب فساد مالی و ظلم به رعایا عزل و به مدت دو سال به زندان افتاد.[۴] با وجود این، در سال ۱۰۳۰ ق. وزیر اعظم شد و تا زمان مرگش در سال ۱۰۳۳ ق. در آن منصب باقی بود.[۵] اسکندر بیگ در مورد او می‌نویسد: «... مرد حساب‌دان مربوط نویس و از علوم متداوله فی‌الجمله آگاهی داشت...».[۶] اما خوش‌نام نبود و به دست‌اندازی در اموال دیوان شهرت داشت. البته تمام آنچه اندوخته بود، نصیب شاه شد. چون وارثی نداشت.[۷] شاید به همین دلیل یا به دلیل خویشاوندی با شاه، به عنوان وزیر اعظم انتخاب شد. وی با یکی از دختران شاه‌طهماسب ازدواج کرده بود.[۸] در هر صورت، شایستگی اندکی داشت.

خلیفه سلطان داماد شاه‌عباس اول و فرزند میررفیع‌الدین محمد صدر الممالک بود. اجدادش از نسل سید قوام‌الدین مرعشی بودند، اما به اصفهان مهاجرت کرده و در آنجا به سادات خلیفه سلطانی شهرت یافته بودند. میرشجاع‌الدین محمود پدر او در زمره علمای زمان شاه‌طهماسب بود.[۹] دلیل دستیابی خلیفه سلطان به منصب وزارت مشخص نیست. وی با داشتن لقب سلطان العلما در سلک روحانیون قرار داشت و حتی در ابتدا از پذیرش منصب وزارت خودداری کرد.[۱۰] هرچند بر علوم دینی مسلط بود، هیچ تجربه‌ای در امور اداری نداشت. شاید صرفاً به دلیل خویشاوندی با شاه و تمایل شاه برای تسلط بیشتر بر امور دیوان انتخاب شد. بنابراین، شایستگی کافی نداشت.

---

۱ ترکمان منشی و مورخ، همان، ص۱۴۳.
۲ جنابذی، همان، صص۳۶۱، ۶۲۶.
۳ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۵۱، ۱۰۷، ۳۳۱.
۴ همان، ج ۲، صص۸۵۳-۸۵۴.
۵ همان، ج ۳، ص۱۰۲۲.
۶ همان، صص ۹۶۵-۹۶۶.
۷ همان، ص۱۰۲۲.
۸ همان، ج ۱، ص۱۳۶.
۹ همان، ج ۳، صص۹۲۹، ۱۰۴۰-۱۰۴۱، ۱۰۷۷، ۱۰۹۰
۱۰ ترکمان منشی و مورخ، همان، ص۸۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

- شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.)

شاه صفی سه وزیر اعظم داشت: خلیفه سلطان (۱۰۳۸-۱۰۴۱ ق.)، ابوطالب بیگ اردوبادی (۱۰۴۱-۱۰۴۳ ق.) و ساروتقی (۱۰۴۳-۱۰۵۲ ق.).

خلیفه سلطان به دلایل نامعلومی عزل و تبعید شد. داماد و سه پسر او به دستور شاه نابینا شدند.[۱] در مورد عملکرد خلیفه سلطان در این دوره، به‌درستی نمی‌توان اظهارنظر کرد. هرچند پس از یک بار تصدی وزارت، تجربه به دست آورده بود، به نظر می‌رسد که نقش تعیین‌کننده‌ای در امور دولت نداشت. بنابراین، ابقاء او شایسته نبود. پس از او ابوطالب بیک که پس از مدتی بیکاری، مجلس‌نویس شده بود، به وزارت انتخاب شد. وزارت او چندان طولانی نبود. پس از یک سال عزل شد و به قتل رسید.[۲] وی با داشتن سابقه وزارت و تجربه منصب مجلس‌نویس که در غیاب وزیر اعظم وظایف او را انجام می‌داد، تجربه کافی کسب کرده بود، اما باز هم شایستگی کافی نداشت. به نوشته واله قزوینی «بنابر آنکه هشیاری و خبرداری از لوازم این منصب والاست و از مراعات آن غافل و ذاهل افتاده بود».[۳] به همین سبب، در جدال با ساروتقی مغلوب می‌شد.[۴] قتل او که در این زمان نخبه قدرت برتر خاندان اردوبادی به شمار می‌آمد، زمینه را برای سقوط آن خاندان فراهم کرد.

ساروتقی نوه خواجه عنایت وزیر حسن بیک یوزباشی از امرای قدرتمند دوره شاه‌طهماسب بود.[۵] عمویش به نام خواجه قاسم علی در همان زمان وزارت حسن بیک یوزباشی و وزارت آذربایجان را بر عهده داشت.[۶] ساروتقی تحت حمایت عمویش رشد کرد و با مرگ او دچار فقر و فاقه شد. ابتدا از حاتم بیک اردوبادی کمک خواست، اما به سبب کدورتی که حاتم بیک از عمویش به دل داشت، به نتیجه نرسید. به‌ناچار، راهی قزوین شد. سپس، به اردبیل رفت و در آنجا مشرف ذوالفقار خان قرامانلو، حاکم آنجا شد. پس از آن، با دست‌یابی ذوالفقار خان به حکومت قراباغ وزیر او شد. در گام بعد، وزارت مازندران را به

۱ محمد معصوم خواجگی اصفهانی (۱۳۶۸)، *خلاصة‌السیر*، تهران: علمی، ص۳۳.

۲ محمد یوسف واله قزوینی اصفهانی (۱۳۸۲)، *خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم)*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص۱۰۹، ۱۹۹-۲۰۰، ۳۲۰.

۳ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۳۲۰.

۴ همان، صص۱۷۱-۱۷۳.

۵ ترکمان منشی، همان، ج ۳، ص۱۰۹۲.

۶ همان، ج ۱، ص۱۶۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

دست آورد.[۱] در سال ۱۰۳۸ ق. «بنابر رشد و کاردانی و اعتماد مهام دیوانی و رفاهیت حال رعایا» وزارت گیلان هم ضمیمه آن شد.[۲]

ترقی ساروتقی مورد توجه منابع متأخر ایرانی و سیاحان اروپایی قرار گرفت و آن را نمونه‌ای از شایسته‌سالاری به شمار آوردند. شاردن او را پسر نانوایی از مردم تبریز می‌داند که مراحل ترقی را از سربازی در ارتش تا وزارت اعظم طی کرد.[۳] اولئاریوس[۴] او را پسر کاتبی از مردم مازندران می‌داند.[۵] موسوی فندرسکی با تمجید از اقدامات شاه صفی در این مورد می‌نویسد: «... باوجود جمعی از سلسله‌های وزرای عظام سوابق ایام این دولت ابد مدت، میرزا تقی را که هیچ‌یک از آبا و اجدادش ادنی منصبی هم نداشتند اعتمادالدوله نمود...».[۶] آنها در مورد پیشینه خانوادگی ساروتقی مرتکب اشتباه شده‌اند. همان‌طور که گفته شد، پدربزرگ و عموی او دیوان‌سالار بودند. به همین دلیل، در اولین گام به حاتم بیک مراجعه کرد. هرچند به هدف خود نرسید، باز هم پیشینه خانواده‌اش در ورود وی به دیوانسالاری بی‌تأثیر نبود. حداقل برای او امکانات تحصیلی ممتاز فراهم کرده بود تا بتواند به دیوان وارد شود. البته پس از آن لیاقت خود را اثبات کرد. دلاواله وی را در زمان تصدی وزارت مازندران ملاقات کرد و مقرب‌ترین و متنفذترین وزیر شاه‌عباس می‌داند.[۷] ناظران بر استعداد و توانایی‌های او در مقام وزیر اعظم صحه گذاشته‌اند. شاردن می‌نویسد: «به گواهی تاریخ و مردم معاصر وی هیچ‌گاه شخصیت روشن‌بین و آگاهی بمانند وی شاغل این شغل خطیر و عالی نبوده است».[۸] بنابراین، برای تصدی منصب وزارت اعظم شایستگی کافی داشت. پیشینه و عملکرد او در مقام وزیر اعظم صحت نوشته‌های شاردن و سایر منابع را اثبات می‌کند.

- شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق.)

در این دوره چهار نفر از دست شاه منصب وزارت اعظم دریافت کردند: ساروتقی (۱۰۵۲-

---

۱ واله قزوینی اصفهانی، همان، صص ۳۲۰-۳۲۵.
۲ خواجگی اصفهانی، همان، ص ۷۰.
۳ ژان شاردن (۱۳۴۵)، *سیاحت‌نامه*، ترجمهٔ محمد عباسی، ج ۷، تهران: امیرکبیر، صص۷۶-۷۸.
4 Olearius.
۵ آدام اولئاریوس (۱۳۶۹)، *سفرنامه*، ترجمهٔ حسین کردبچه، ج۲، تهران: انتشارات کتاب برای همه، ص۷۴۷.
۶ موسوی فندرسکی، همان، ص۱۲۳.
۷ دلاواله، همان، ج ۱، صص۶۴۵، ۷۴۱.
۸ شاردن، همان، ج ۷، ص۷۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۱۰۵۴ ق.)، خلیفه سلطان (۱۰۵۴–۱۰۶۴ ق.)، محمد بیک (۱۰۶۴– ۱۰۷۰ ق.) و میرزا مهدی (۱۰۷۱–۱۰۷۷ ق.).

ساروتقی ابتدا در مقام خود ابقاء شد. اما آن وزیر لایق دو سال بعد با نظر مساعد شاه به دست جانی خان قورچی باشی به قتل رسید. پس از او بار دیگر خلیفه سلطان وزیر اعظم شد و تا زمان مرگش در سال ۱۰۶۴ ق. در این مقام باقی ماند.[۱] دلیل انتخاب او مشخص نیست. شاید شاه که از سخت‌گیری‌های ساروتقی آزرده‌خاطر بود، ترجیح داد فرد ضعیفی بر مسند وزارت جلوس کند. ممکن است شاه برای جلب رضایت روحانیون منصب وزارت را به او واگذار کرده باشد. خلیفه سلطان در این مقطع هم عملکرد قابل قبولی نداشت.[۲]

به نوشته تاورنیه، محمد بیک پسر خیاطی از مردم تبریز بود که با اتکا به تحصیلات و هوش و ذکاوتش مراحل ترقی را طی کرد. ابتدا معیر باشی شد. سپس، با حمایت الله‌وردی بیک میرشکار باشی به شاه‌عباس دوم معرفی و مورد توجه قرار گرفت.[۳] پدرش حسین بیگ تبریزی از اکابر تبریز بود. در زمان شاه‌عباس اول صاحب‌جمع قیچاچی باشی شد. عمویش تقی سلطان هم سلطان یکی از ولایات آذربایجان بود. حسین بیگ به سبب درست‌کاری و کاردانی‌اش نزد شاه‌عباس اعتبار زیادی داشت.[۴] در سال ۱۰۲۲ ق. برای تهنیت جلوس سلطان محمد قطب شاهی به دکن اعزام شد.[۵] محمد بیک ابتدا داروغه جلفا بود.[۶] سپس، معیرالممالک و ناظر بیوتات شد.[۷] محمد بیک مطابق اصول شایسته‌سالاری به وزارت رسید. هرچند با حمایت پدرش به دیوان راه یافت و از حمایت میرشکار باشی برخوردار شد، پیش از دست یابی به منصب وزارت با تصدی چند منصب، تجربه کافی به دست آورده بود. پس از آن هم، لیاقتش را نشان داد.

با وجود این، در سال ۱۰۷۰ ق. برکنار شد و میرزا مهدی فرزند میرزا حبیب‌الله صدرالممالک جای او را گرفت.[۸] میرزا حبیب‌الله از جانب پدر با میرسید حسین

---

۱ ولی قلی‌بن‌داود قلی شاملو (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص۲۸۴-۲۸۵.

۲ رودی متی (۱۳۹۳)، *ایران در بحران (زوال صفویه و سقوط اصفهان)*، ترجمهٔ حسن افشار، تهران: نشر مرکز، ص۶۲.

۳ تاورنیه، همان، ص۵۴۱.

۴ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۳۴۵؛ نصرآبادی، همان، ج ۱، ص۱۰۵.

۵ ترکمان منشی، همان، ج ۲، ص۸۶۶؛ ج ۳، ص۹۴۱.

۶ متی، همان، ص۶۳.

۷ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۴۹۸.

۸ همان، ص۶۵۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

مجتهدالزمانی (م ۱۰۰۱ ق.) و از جانب مادر با شیخ لطف الله طیسی (م ۱۰۰۸ ق.) دو تن از علمای بزرگ آن دوره نسبت داشت.[۱] میرسید حسین دخترزاده مجتهد کرکی (م ۹۴۰ ق.) بود.[۲] ذیل وقایع سال ۱۰۵۲ ق. به میرزا مهدی به‌عنوان متولی بارگاه حضرت معصومه (ع) اشاره شده است.[۳] پس از مرگ پدرش در سال ۱۰۶۰ ق. صدر الممالک شد.[۴] سپس، منصب وزارت اعظم را به دست آورد.

هرچند میرزا مهدی پیش از تصدی منصب وزارت، منصب مهم صدارت را تجربه کرده و از امور اداری مطلع بود، آن منصب را از پدرش به ارث برده و ترقی وی بیش از هر چیز نتیجه پیشینه خانوادگی‌اش بود. به نوشته موسوی فندرسکی، کسی تصور نمی‌کرد که منصب وزارت به او واگذار شود «نام او در هیچ جا و اسم او به هیچ رسمی مذکور نبود، بلکه این معنی بر سبیل احتمال هم به هیچ خاطری خطور نمی‌نمود».[۵] در مقام وزیر اعظم عملکرد ضعیفی داشت. نوشته‌های هلندی‌ها نشان می‌دهد که شخصی ضعیف و تن‌پرور بود.[۶] بنابراین، انتخاب او با شایستگی انجام نشد.

– شاه سلیمان (۱۱۰۵–۱۰۷۷ ق.)

در این دوره سه نفر وزیر اعظم شدند: میرزا مهدی (۱۰۷۷–۱۰۸۰ ق.)، شیخ علی‌خان زنگنه (۱۰۸۰–۱۱۰۱ ق.) و میرزا محمد طاهر قزوینی (۱۱۰۱–۱۱۰۵ ق.).

شاه ابتدا میرزا مهدی را ابقاء کرد، اما پس از سه سال عزل شد و شیخ علی‌خان زنگنه فرزند علی بیک به وزارت رسید. علی بیگ در سال ۱۰۲۷ ق. میرآخور باشی شاه‌عباس شد.[۷] همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دست‌یابی شیخ علی‌خان به مقام وزارت نتیجه اصلاحات شاه‌عباس اول در ساختار ارتش بود، چون ایل زنگنه را از گمنامی بیرون آورد. شیخ علی‌خان مانند پدرش به ارتش پیوست، در سلک تفنگچی‌ها درآمد و حاکم کلهر و سنقر شد.[۸] در سال

۱ نصرآبادی، همان، ج ۱، ص۲۵.
۲ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۴۵.
۳ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۳۱۵.
۴ همان، ۴۹۳.
۵ موسوی فندرسکی، همان، ص۱۲۵.
۶ متی، همان، ص۶۹.
۷ ترکمان منشی، همان، ج ۲، ص۹۴۲.
۸ شاملو، همان، ج ۲، ص۲۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۱۰۴۷ ق. منصب میرآخورباشی را بر عهده گرفت.[۱] دو سال بعد، امارت ایل زنگنه را نیز ضمیمه آن منصب کرد.[۲] در گام بعد، منصب مهم تفنگچی آقاسی را به دست آورد.[۳] هرچند شیخ علی‌خان از حمایت‌های پدرش برخوردار بود، اما ترقی او در ارتش بیش از هر چیز نتیجه استعداد و توانایی‌هایش بود. عملکرد وی در مقام تفنگچی آقاسی، تحسین همگان را برانگیخت. شاردن در این مورد می‌نویسد: «... این شخص حقیقتاً لیاقت این مقام و سایر مقاماتی که بدان‌ها نائل گردیده دارد. مردی است نیک نفس و باتدبیر...».[۴] به همین دلیل، باوجود آن که حیطه کار تفنگچی آقاسی با وظایف وزیر اعظم چندان سنخیتی نداشت، اما به عنوان وزیر اعظم انتخاب شد و با اتکا به استعدادهایش اثبات کرد که شایستگی آن منصب را داشت.

میرزا محمد طاهر قزوینی فرزند میرزا حسین‌خان قزوینی بود.[۵] شاملو در مورد خانواده‌اش می‌نویسد: «آبا و اجداد او پیوسته در این آستان خلافت نشان به امر جانفشانی قیام داشته‌اند».[۶] وی شخصی ادیب و فاضل بود. پس از مرگ شیخ علی‌خان در سال ۱۱۰۱ ق. وزیر اعظم شد. او ابتدا به‌عنوان کاتب دفترخانه شاهی به دیوان راه یافت.[۷] در دوران وزارت ساروتقی در دیوان انشاء مشغول به کار شد. سپس، خلیفه سلطان منصب مجلس‌نویس را به او واگذار کرد.[۸] خانواده میرزا محمد طاهر از اعیان قزوین بودند.[۹] وی با خلیفه سلطان نسبت خویشاوندی داشت و از حمایت‌هایش برخوردار شد.[۱۰] در سال ۱۰۸۵ ق. عزل شد و پیش از این که وزیر اعظم شود به مدت هیجده سال هیچ منصبی نداشت. در آن زمان، بیش از ۸۰ سال از عمر وی می‌گذشت.[۱۱] حمایت‌های خلیفه سلطان در ترقی محمد طاهر تأثیر زیادی

---

۱ خواجگی اصفهانی، همان، ص۲۶۴.
۲ همان، ص۲۸۶.
۳ میرمحمد سعید مشیزی (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: وحید، ص۳۵۵.
۴ شاردن، همان، ج ۹، ص۲۰۹.
۵ ذبیح‌الله صفا (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵، تهران: فردوس، ص۱۳۴۶.
۶ شاملو، همان، صص۲۹۳-۲۹۴.
۷ علیقلی واله داغستانی (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، ج ۴، تهران: اساطیر، ص۲۴۶۰.
۸ شاملو، همان، ج ۱، صص۲۹۳-۲۹۴.
۹ محمد طاهر نصرآبادی (۱۳۷۸)، *تذکره نصرآبادی (تذکرة الشعرا)*، ج ۱، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ص۲۶۱.
۱۰ عبدالحسین نوایی (۱۳۶۰)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران (از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ق.)*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ص۲۴۷.
۱۱ سید عبدالحسین حسینی خاتون‌آبادی (۱۳۵۲)، *وقایع السنین و الاعوام*، تهران: کتابفروشی اسلامیه، صص۵۳۳، ۵۴۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

داشت. ناظران هلندی او را فردی ضعیف، منفور و مشتاق به دریافت هدایا می‌دانند.[۱] انتخاب وی در آن شرایط سنی و پس از هیجده سال دوری از کارهای دیوانی این شائبه را ایجاد می‌کند که صاحبان قدرت از سال‌ها مدیریت سخت‌گیرانه شیخ علی‌خان آزرده بودند و او را به شاه ضعیف تحمیل کردند تا با فراغ بال به سوءاستفاده مشغول شوند. بنابراین، هرچند سال‌ها تجربه داشت و از علم و دانش برخوردار بود، با شایستگی انتخاب نشد. عملکرد وی عدم شایستگی‌اش را اثبات می‌کند.

- شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق.)

وزرای شاه سلطان حسین پنج نفر بودند: میرزا محمد طاهر قزوینی (۱۱۰۵-۱۱۱۰ ق.)، محمد مؤمن خان شاملو (۱۱۱۰-۱۱۱۶ ق.)، شاهقلی خان زنگنه (۱۱۱۶-۱۱۲۷ ق.)، فتح علی‌خان داغستانی (۱۱۲۷-۱۱۳۳ ق.) و محمدقلی خان شاملو (۱۱۳۳-۱۱۳۵ ق.).

میرزا محمد طاهر به علت کهولت سن برکنار شد. محمد مؤمن خان ایشیک آقاسی دیوان جای او را گرفت.[۲] محمد مؤمن خان فرزند حیدرخان و نوه زینل خان بیگدلی شاملو سپهسالار شاه صفی بود.[۳] حیدر خان (م ۱۰۲۶ ق.) ایشیک آقاسی حرم شاه‌عباس اول بود.[۴] ترقی محمد مؤمن خان بیش از هر چیز نتیجه پیشینه خانوادگی‌اش بود. قبل از تصدی منصب وزارت اعظم ابتدا داروغه فراش خانه[۵] شد.[۶] سپس، منصب ایشیک آقاسی را از پدرش به ارث برد. بنابراین، در امور اداری تجربه کافی نداشت. با مرگ او در سال ۱۱۱۶ ق. شاه قلی خان زنگنه، فرزند شیخ علی‌خان، وزیر شد.[۷] ذیل وقایع سال ۱۱۰۱ ق. به‌عنوان حاکم کرمانشاه ذکر شده است.[۸] سال بعد قورچی باشی شد.[۹] دستیابی او به منصب وزارت اعظم، نتیجه تداوم نفوذ خاندان زنگنه بود. وی پیش از تصدی وزارت اعظم، تجربه کسب کرده بود،

۱ فلور، همان، ص ۶۰.
۲ نوایی، همان، ص۲۴۷.
۳ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۴۷.
۴ ترکمان منشی، همان، ج ۲، ص ۸۶۰.
۵ در این مورد رجوع کنید به: میرزا رفیعا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، صص۲۵۱-۲۵۲.
۶ نصرآبادی، همان، ج ۱، ص۴۹.
۷ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۵۷.
۸ همان، ص۵۴۷.
۹ همان، ص۵۴۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

اما درایت و توانایی های پدرش را نداشت و زمام امور از دست او خارج شد.[۱] بنابراین، انتخاب او را نمی‌توان شایسته‌گماری دانست.

با مرگ شاه قلی خان، فتح علی‌خان داغستانی قوللر آقاسی در سال ۱۱۲۷ ق. وزیر اعظم شد.[۲] به نوشته تفلیسی، فتح علی‌خان در سنین کودکی با پدرش در داغستان به اسارت درآمد و به‌عنوان غلام خاصه در ارتش صفوی به کار گرفته شد. ابتدا میرشکار باشی و سپس قوللر آقاسی شد.[۳] اما این‌گونه نیست. پدر او القاص میرزا ملقب به صفی قلی خان فرزند الدار شمخال داغستان در زمان شاه‌عباس اول به‌عنوان گروگان وارد دربار صفوی شد. سپس ترقی کرد و مدتی بیگلربیگی ایروان بود.[۴] فتح علی‌خان پس از مرگ پدرش با حمایت‌های برادرزاده‌اش لطفعلی‌خان داغستانی سپهسالار و بیگلربیگی آذربایجان- که از لحاظ سنی از وی مسن‌تر بود- مراحل ترقی را طی کرد. در اولین گام، یساول صحبت مجلس بهشت‌آیین[۵] شد، سپس به‌جای برادرش منصب امیر شکار باشی را به دست آورد. پس از آن، قوللر آقاسی و وزیر اعظم شد.[۶] فتحعلی خان قوی و کاردان بود. به نوشته مرعشی «بالنسبه بسایر امرای دیگر در تدبیر و کاردانی امتیاز داشت».[۷] هرچند نسبت به عملکرد او و انتقادات زیادی وجود دارد، بر امور مسلط شد و قدرت درباریان را به میزان زیادی کاهش داد. بنابراین، شایستگی‌های لازم را برای تصدی منصب وزارت در آن مقطع بحرانی دارا بود. وی در سال ۱۱۳۳ ق. درنتیجه توطئه امرا و درباریان عزل و نابینا شد. محمدقلی خان بیگدلی شاملو فرزند محمد مؤمن خان به‌عنوان آخرین وزیر شاه سلطان حسین بر مسند وزارت تکیه زد.[۸] وی در سال ۱۱۰۵ ق. قورچی باشی شده بود.[۹] به سبب نقشی که در توطئه علیه فتح علی‌خان داشت به وزارت رسید. فاقد شایستگی‌های لازم بود و عملکرد قابل قبولی نداشت.

---

۱ متی، همان، ص۲۱۰.

۲ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۶۸.

۳ ژوزف تفلیسی (۱۳۸۸)، *سقوط و زوال صفویان*، ترجمهٔ شاهین فاضل و شهرام شمسی، شهرضا: [بی‌نا]، صص۳۷-۳۸.

۴ واله داغستانی، همان، ج ۴، صص ۲۵۳۴-۲۵۳۵.

۵ در این مورد رجوع کنید به: میرزا سمیعا (۱۳۶۸)، *تذکرة الملوک*، تصحیح سید محمد دبیر سیاقی تهران: امیرکبیر، ص۲۷.

۶ واله داغستانی، همان، ج ۳، ص۱۶۷۶؛ ج ۴، ص۱۹۵۲.

۷ میرزا محمد خلیل مرعشی (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنائی و کتابخانه طهوری، ص۳۱.

۸ نصیری، همان، ص۷.

۹ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۴۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

در دوره صفوی درمجموع ۴۱ بار وزرای اعظم عزل و نصب یا ابقاء شدند. نه تن از آنها دو بار و یک تن از آنها سه بار بر مسند وزارت تکیه زدند. به‌این‌ترتیب، تعداد وزرای این دوره ۳۰ تن بودند. برای ارزیابی و نتیجه‌گیری دقیق‌تر از مباحث ذکر شده، سه جدول طراحی شده است: در جدول شماره یک، شغل پدران و پایگاه اجتماعی خانوادگی وزرا بررسی می‌شود. در جدول شماره دو، مناصب وزرا پیش از تصدی وزارت اعظم برای بار اول آمده است تا میزان تجربه و شایستگی آنها ارزیابی شود. در جدول شماره سه، عوامل اصلی انتخاب وزرای اعظم و تأثیر هرکدام بر میزان شایستگی آنها بررسی می‌شود.

جدول ۱. ارزیابی پایگاه اجتماعی خانوادگی وزرای دوره صفوی

ردیف	نام وزیر	شغل پدر			پایگاه اجتماعی خانوادگی			
		دیوان‌سالار	نظامی و دیوان‌سالار	اظهارنشده	بالا	متوسط	پایین	اظهارنشده
۱	میرزا زکریا کججی[۱]	❊			❊			
۲	ملک محمود جان دیلمی[۲]	❊			❊			
۳	میرزا شاه حسین اصفهانی[۳]			❊			❊	
۴	خواجه جلال‌الدین محمد کججی[۴]	❊			❊			
۵	قاضی جهان قزوینی[۵]	❊			❊			
۶	میرجعفر ساوجی[۶]			❊				❊

ادامه جدول

۱ طهرانی، همان، صص۴۳۵، ۴۳۹.
۲ سام میرزا صفوی، همان، ص۹۱.
۳ جهانگشای خاقان، ص۱۸۴.
۴ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۵۹.
۵ خورشاه‌بن‌قباد الحسینی، همان، ص۳۶.
۶ قمی، همان، ج ۱، ص۱۶۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

ردیف	نام وزیر	شغل پدر			پایگاه اجتماعی خانوادگی			
		دیوان‌سالار	نظامی و دیوان‌سالار	اظهارنشده	بالا	متوسط	پایین	اظهارنشده
۷	احمد بیک نوری کمال اصفهانی[۱]			❊				❊
۸	میرعنایت‌الله خوزانی اصفهانی[۲]			❊				❊
۹	میرزا بیک ابهری[۳]			❊				❊
۱۰	معصوم بیک شیخاوند[۴]			❊	❊			
۱۱	میرزا شکرالله اصفهانی[۵]	❊			❊			
۱۲	میرزا سلمان جابری[۶]	❊			❊			
۱۳	میرزا هدایت‌الله[۷]	❊			❊			
۱۴	شاه قوام‌الدین اصفهانی[۸]	❊			❊			
۱۵	میرزا لطف‌الله شیرازی[۹]			❊	❊			❊

ادامه جدول

۱ همان، ج ۱، ص۱۶۶.
۲ منشی قزوینی، همان، صص ۱۸۰-۱۸۱.
۳ همان، ص۳۳۷.
۴ نویدی شیرازی، همان، ص۹۵.
۵ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۱۶۲، ۱۶۵.
۶ جنابذی، همان، ص۵۹۱.
۷ ترکمان منشی، همانجا.
۸ قمی، همان، ج۲، صص۸۱۶، ۸۲۵.
۹ همان، ص۶۲۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

ردیف	نام وزیر	شغل پدر			پایگاه اجتماعی خانوادگی			
		دیوان‌سالار	نظامی و دیوان‌سالار	اظهارنشده	بالا	متوسط	پایین	اظهارنشده
۱۶	میرزا محمد کرمانی[۱]	❊			❊			
۱۷	میرزا شاه‌ولی اصفهانی[۲]	❊			❊			
۱۸	حاتم بیگ اردوبادی[۳]	❊			❊			
۱۹	ابوطالب بیگ اردوبادی[۴]	❊			❊			
۲۰	سلمان خان استاجلو[۵]		❊		❊			
۲۱	خلیفه سلطان[۶]	❊			❊			
۲۲	سارونقی[۷]	❊			❊			
۲۳	محمد بیگ[۸]	❊			❊			
۲۴	میرزا مهدی[۹]	❊			❊			
۲۵	شیخ علی‌خان زنگنه[۱۰]		❊		❊			
۲۶	میرزا محمد طاهر قزوینی[۱۱]	❊			❊			

ادامه جدول

۱ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص۲۹، ۲۲۱.
۲ افوشته‌ای نطنزی، همان، ص۲۸۷؛ قمی، همان، ج ۱، ص۲۳۶؛ منشی قزوینی، همان، ص۲۱۷.
۳ ترکمان منشی، همان، ج ۲، صص۷۲۵-۷۲۶.
۴ ترکمان منشی و مورخ، همان، ص۱۴۱.
۵ جنابذی، همان، صص۳۶۱، ۶۲۶.
۶ ترکمان منشی، همان، ج ۳، صص۹۲۹، ۱۰۴۰-۱۰۴۱، ۱۰۷۷، ۱۰۹۰.
۷ ترکمان منشی، همان، ج ۳، ص۱۰۹۲.
۸ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۳۴۵؛ نصرآبادی، همان، ج ۱، ص۱۰۵.
۹ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۶۵۴.
۱۰ شاملو، همان، ج ۲، ص۲۰.
۱۱ همان، صص۲۹۳-۲۹۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

ردیف	نام وزیر	شغل پدر			پایگاه اجتماعی خانوادگی			
		دیوان‌سالار	نظامی و دیوان‌سالار	اظهارنشده	بالا	متوسط	پایین	اظهارنشده
۲۷	محمد مؤمن خان شاملو[۱]		*		*			
۲۸	شاهقلی خان زنگنه[۲]		*		*			
۲۹	فتح علی‌خان داغستانی[۳]		*		*			
۳۰	محمدقلی خان شاملو[۴]		*		*			
جمع	فراوانی	۱۷	۶	۷	۲۳	۰	۱	۶
کل	درصد	۵۶/۶۶	۲۰	۲۳/۳۳	۷۶/۶۶	۰	۳/۳۳	۲۰

جدول ۲. ارزیابی سوابق شغلی وزرا، دلیل اصلی انتخاب و میزان شایستگی آنها

ردیف	نام وزیر	مناصب پیشین					ارزیابی وزارت			
		اولین	دومین	سومین	چهارمین	پنجمین	عامل اصلی انتخاب	میزان شایستگی			
								بالا	متوسط	پایین	نامشخص
۱	میرزا زکریا کججی[۵]	وزیر اعظم					حمایت از صفویه				*

ادامه جدول

۱ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۴۷.
۲ همان، ص۵۵۷.
۳ واله داغستانی، همان، ج ۴، صص ۲۵۳۴-۲۵۳۵.
۴ نصیری، همان، ص۷.
۵ نویدی شیرازی، همان، ص۳۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

ردیف	نام وزیر	مناصب پیشین					ارزیابی وزارت			
		اولین	دومین	سومین	چهارمین	پنجمین	عامل اصلی انتخاب	میزان شایستگی		
								بالا	متوسط	پایین	نامشخص
۲	ملک محمود جان دیلمی [۱]	وزیر اعظم					حمایت از صفویه				*
۳	میرزا شاه حسین اصفهانی [۲]	وزیر حاکم اصفهان	وزیر حاکم خراسان				استعداد	*			
۴	خواجه جلال‌الدین محمد کججی [۳]	نایب وکیل					تجربه		*		
۵	قاضی جهان قزوینی [۴]	نایب وکیل					تجربه	*			
۶	میر جعفر ساوجی [۵]	وزیر حاکم عراق					رابطه			*	

ادامه جدول

۱ روملو، همان، ص۱۹۹.
۲ جهانگشای خاقان، صص۱۸۴، ۶۰۱.
۳ منشی قزوینی، همان، صص۱۳۸-۱۳۹.
۴ همان، ص۱۴۷.
۵ قمی، همان، ج ۱، صص۱۶۰، ۲۱۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۷	احمد بیک نوری کمال اصفهانی [۱]	وزیر حاکم خراسان					رابطه		*
۸	میرعنایت‌الله خوزانی اصفهانی [۲]	وزیر امیرالامرا (کپک سلطان)					رابطه		*
۹	میرزا بیک ابهری [۳]	وزیر قورچی باشی					رابطه		*
۱۰	معصوم بیک شیخاوند [۴]	قورچی	متولی بارگاه شیخ صفی	دیوان‌بیگی			خانواده		*
۱۱	میرزا شکرالله اصفهانی [۵]	وزیر خراسان	مستوفی‌الممالک				تجربه	*	
۱۲	میرزا سلمان جابری [۶]	ناظر بیوتات خاصه					استعداد	*	

ادامه جدول

۱ قمی، همان، ج ۱، صص۱۶۶، ۲۳۶.
۲ منشی قزوینی، همان، صص ۱۸۰-۱۸۱.
۳ منشی قزوینی، همان، ص۳۳۷.
۴ نویدی شیرازی، همان، ص۹۵؛ قمی، همان، ج ۱، ص۳۶۶.
۵ افوشته‌ای نطنزی، همان، ص۲۹.
۶ ترکمان منشی، همان، ج ۱، ص۱۶۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۱۲	میرزا هدایت‌الله[۱]	وزیر ترخان	وزیر گیلان بیه پس	ناظر دفتر خانه همایون	مستوفی‌الممالک		
۱۴	شاه قوام‌الدین اصفهانی[۲]					خانواده	*
۱۵	میرزا لطف‌الله شیرازی[۳]	وزیر حاکم مشهد	وزیر مهردار	دیوان‌بیگی	وزیر شاهزاده (حمزه میرزا)	تجربه	*
۱۶	میرزا محمد کرمانی[۴]	وزیر اردبیل	مجلس‌نویس	منشی‌الممالک	وزیر عراق عجم	مستوفی‌الممالک	*
۱۷	میرزا شاه‌ولی اصفهانی[۵]	وزیر حاکم خراسان				رابطه	*
۱۸	حاتم بیگ اردوبادی[۶]	کلانتر اردوباد	وزیر حاکم خوی	وزیر حاکم کرمان	مستوفی‌الممالک	تجربه	*

ادامه جدول

۱ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۱۶۲، ۱۶۵؛ قمی، همان، ج ۲، صص۶۲۳، ۷۲۴.
۲ قمی، همان، صص۸۱۶، ۸۲۵.
۳ همان، ج ۲، صص۶۲۷، ۷۴۸.
۴ همان، ج ۲، ص۱۰۱۸؛ افوشته‌ای نطنزی، همان، صص۲۹-۳۰، همان، صص۶۵-۶۶.
۵ قمی، همان، ج ۲، ص۸۶۹.
۶ ترکمان منشی، همان، ج ۲، صص۷۲۵-۷۲۶؛ منجم یزدی، همان، صص۸۳، ۸۸، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۱۹	ابو طالب بیگ اردوبادی [۱]				خانواده				*	
۲۰	سلمان خان استاجلو [۲]	حاکم شیروان	حاکم خراسان	حاکم ایروان	حاکم قزوین			خانواده	*	
۲۱		خلیفه سلطان [۳]						خانواده	*	
۲۲		سارو تقی [۴]	مشرف حاکم اردبیل	وزیر قراباغ	وزیر گیلان			تجربه	*	
۲۳		محمد بیگ [۵]	داروغه جلفا	معیرالممالک	ناظر بیوتات			تجربه	*	
۲۴		میرزا مهدی [۶]	متولی بارگاه حضرت معصومه (ع)	صدر الممالک				خانواده	*	

ادامه جدول

۱ ترکمان منشی و مورخ، همان، صص۱۴۱، ۱۴۷.
۲ جنابذی، همان، صص۳۶۱، ۶۲۶؛ ترکمان منشی، همان، ج ۱، صص۵۱، ۱۰۷، ۳۳۱؛ همان، ج ۲، صص۸۵۳-۸۵۴.
۳ ترکمان منشی و مورخ، همان، ص۸۹.
۴ واله قزوینی اصفهانی، همان، صص۳۲۰-۳۲۵؛ خواجگی اصفهانی، همان، ص۷۰.
۵ متی، همان، ص۶۳؛ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۴۹۸.
۶ واله قزوینی اصفهانی، همان، ص۴۹۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

۲۵	شیخ علی‌خان زنگنه[۱]	تفنگچی	شاهقلی خان زنگنه[۴]	حاکم کرمانشاه	ایشیک آقاسی دیوان	کاتب دفتر خانه شاهی	تفنگچی آقاسی				
۲۶	میرزا محمد طاهر قزوینی[۲]	کاتب دفتر خانه شاهی	محمد مؤمن خان شاملو[۳]	ایشیک آقاسی دیوان			مجلس‌نویس				
۲۷								میرآخور باشی-امیر ایل زنگنه	نایب وزیر اعظم	رابطه	
۲۸					قورچی باشی	نایب وزیر اعظم		حاکم کلهر و سنقر			
۲۹			فتح علی‌خان داغستانی[۵]	میرشکار باشی	قوللر آقاسی						
۳۰			محمدقلی خان شاملو[۶]	قورچی باشی				تفنگچی	خانواده	خانواده	
جمع کل	فراوانی							تجربه	*	*	*
	درصد							رابطه		*	
	۶/۶۶										
	۵۰										
	۱۶/۶۶										
	۲۶/۶۶										

۱ شاملو، همان، ج ۲، ص۲۰؛ خواجگی اصفهانی، همان، صص۲۶۴، ۲۸۶؛ مشیزی، همان، ص۳۵۵.
۲ واله داغستانی، همان، ج ۴، ص۲۴۶۰؛ شاملو، همان، ج ۱، صص۲۹۳-۲۹۴.
۳ نصرآبادی، همان، ج ۱، ص۴۹؛ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۵۷.
۴ خاتون‌آبادی، همان، صص۵۴۷- ۵۴۸.
۵ واله داغستانی، همان، ج ۳، ص۱۶۷۶؛ ج ۴، ص۱۹۵۲.
۶ خاتون‌آبادی، همان، ص۵۴۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

جدول ۳. ارزیابی عوامل اصلی انتخاب وزرا و ارتباط آن با میزان شایستگی آنها.

ردیف	عوامل تحرک اجتماعی	تعداد وزرا		میزان شایستگی							
				بالا		متوسط		پایین		نامشخص	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	حمایت از صفویه	۲	۶/۶۶	۰		۰	۰	۰	۰	۲	۶/۶۶
۲	تجربه	۱۱	۳۶/۶۶	۶	۲۰	۵	۱۶/۶۶	۰	۰	۰	۰
۳	خانواده	۸	۲۶/۶۶	۰	۰	۰	۰	۸	۲۶/۶۶	۰	۰
۴	استعداد	۲	۶/۶۶	۲	۶/۶۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۵	رابطه	۷	۲۳/۳۳	۰	۰	۰	۰	۷	۲۳/۳۳	۰	۰
جمع کل		۳۰	۱۰۰	۸	۲۶/۶۶	۵	۱۶/۶۶	۱۵	۵۰	۲	۶/۶۶

نتیجه‌گیری

ترکیب وزرای اعظم دوره صفوی نشان می‌دهد که حدود ۷۷٪ آنها فرزندان دیوان‌سالاران و امرای نظامی بودند و به خانواده‌هایی از اقشار بالای اجتماعی تعلق داشتند. تنها یک تن از وزرا یعنی ۳/۳۳ آنها از اقشار پایین بود. وضعیت ۲۰٪ باقی‌مانده به‌درستی مشخص نیست و به نظر نمی‌رسد از اقشار پایین و متوسط جامعه بودند. بنابراین، علی‌رغم تصور رایج سهم اقشار متوسط و پایین از منصب وزارت اعظم بسیار ناچیز است. خانواده مهم‌ترین عامل تحرک اجتماعی در این دوره به شمار می‌آید و بر سایر عوامل هم تأثیرگذار بود. تحصیلات که می‌توانست راهگشای ترقی و تحرک باشد، تحت تأثیر شرایط خانوادگی قرار داشت.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

تبار دینی و قومی نقش قابل‌توجهی در تحرک اجتماعی اشخاص داشت. پذیرش مذهب تشیع شرط اصلی تصدی مناصب دیوانی بود. در غیر این صورت، مسیر تحرک مسدود می‌شد. قزلباش‌ها و سادات نسبت به دیگران حق تقدم و امتیازات ویژه داشتند. برخورداری از استعداد و قابلیت می‌توانست اشخاص را در مسیر تحرک کمک کند. اما به ثمر نشستن آن به سایر عوامل مخصوصاً خانواده بستگی داشت. مگر اینکه شخصی نظر شاه را به خود جلب می‌کرد و از عنایت شاهی برخوردار می‌شد. کسب تجربه کافی در امور اداری برای تحرک اجتماعی و دست‌یابی به مناصب بالا ضروری بود. اما در مقابل، برخورداری از پایگاه خانوادگی بالا و رابطه با امرای نظامی و درباریان می‌توانست راه تحرک اشخاص بی‌تجربه را هموار کند.

از منظر شایسته‌سالاری اولین نکته قابل‌توجه این است که عموماً دوره صفوی را عصر شایسته‌سالاری می‌دانند. چون این باور وجود دارد که اشخاصی از پایین‌ترین اقشار جامعه موفق شدند به بالاترین مناصب اداری دست پیدا کنند. اما این باور به دو دلیل درست نیست: اول اینکه سهم اقشار پایین از مناصب دیوانی و به‌طور اخص وزارت اعظم بسیار ناچیز بود و دوم اینکه تمام صاحب‌منصبان برخاسته از اقشار بالا فاقد شایستگی نبودند. برخی از آنها استعداد و تجربه کافی داشتند. از میان هشت وزیر اعظم که از شایستگی بالایی برخوردار بودند، هفت تن از آنها که حدود ۲۴٪ کل وزرا را شامل می‌شود، به اقشار بالا تعلق داشتند. البته از میان پانزده وزیر اعظم یعنی ۵۰٪ کل وزرا که شایستگی پایین داشتند، یازده تن آنها یعنی حدود ۳۷٪ کل وزرا هم از اقشار بالا بودند و صرفاً با اتکا به پایگاه خانوادگی خود به منصب وزارت دست پیدا کردند. چهار تن باقی‌مانده که حدود ۱۳٪ کل وزرا را شامل می‌شود و پایگاه اجتماعی خانوادگی آنها به‌درستی مشخص نیست، با استفاده از رابطه با امرا و تحت حمایت آنها وزیر اعظم شدند.

با توجه به اینکه نیمی از وزرای دوره صفوی شایستگی پایینی داشتند، نمی‌توان آن دوره را عصر شایسته‌سالاری دانست. هرچند پادشاهان لایقی مانند شاه‌عباس اول و شاه‌عباس دوم سیاست شایسته‌گماری را در پیش می‌گرفتند، به علت فقدان نظام کارآمد شایسته‌گزینی هیچ راه مؤثری برای یافتن و حمایت از افراد شایسته وجود نداشت. آنچه در مورد ملاقات این پادشاهان با افراد مستعد در منابع دیده می‌شود، بیشتر به قصه و داستان شباهت دارند. سیاست این پادشاهان در گماشتن برخی از وزرا عمداً ناقض اصل شایسته‌گماری بود. شاه‌طهماسب پس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

از کناره‌گیری قاضی جهان قزوینی وزرایی را منصوب کرد که شایستگی پایینی داشتند. شاه‌عباس اول همین سیاست را پس از مرگ حاتم بیگ اردوبادی در پیش گرفت. انتخاب میرزا طاهر قزوینی پس از شیخ علی‌خان زنگنه نیز در همین راستا بود. زیرا وزرای کارآمد عرصه را بر دیگر اصحاب قدرت تنگ می‌کردند و حتی پادشاهانی مانند شاه‌عباس اول و شاه‌عباس دوم هم نمی‌توانستند بخشی از قدرت استبدادی خود را با وزرای لایق و شایسته تقسیم کنند.

منابع و مآخذ

- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *نقاوة الاثار*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اولئاریوس، آدام (۱۳۶۹)، *سفرنامه*، ترجمهٔ‌حسین کردبچه، تهران: انتشارات کتاب برای همه.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۲)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: صفی علیشاه.
- تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمهٔ ابوتراب نوری، اصفهان: کتابفروشی تأیید اصفهان.
- ترکمان منشی، اسکندربیگ (۱۳۸۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- ترکمان منشی، اسکندر بیگ و مورخ، محمد یوسف (۱۳۱۷)، *ذیل عالم‌آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- تفلیسی، ژوزف (۱۳۸۸)، *سقوط و زوال صفویان*، ترجمهٔ شاهین فاضل و شهرام شمسی، شهرضا: [بی‌نا].
- جنابذی، میرزا بیگ (۱۳۶۷)، *روضة الصفویه*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- *جهانگشای خاقان* (۱۳۵۰)، به کوشش الله دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- خاتون‌آبادی، سید عبدالحسین حسینی (۱۳۵۲)، *وقایع السنین و الاعوام*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله روزبهان (۱۳۸۲)، *تاریخ عالم‌آرای امینی*، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸)، *خلاصة السیر*، تهران: علمی.
- خواندمیر، امیر محمود (۱۳۷۰)، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی (ذیل تاریخ حبیب السیر)*، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: گستره.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳)، *حبیب السیر*، با مقدمه جلال الدین همائی؛ زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- خورشاه بن قباد الحسینی (۱۳۷۶)، *تاریخ ایلچی نظام شاه*، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

- دلاواله، پیترو (۱۳۸۰)، *سفرنامه*، ترجمهٔ محمود بهفروزی، تهران: قطره.
- روملو، حسن بیک (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سام میرزا صفوی (۱۳۸۴)، *تذکره تحفه سامی*، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- *سفرنامه برادران شرلی* (۱۳۸۷)، ترجمهٔ آوانس، تصحیح علی دهباشی، تهران: نگاه.
- سیوری، راجر (۱۳۷۸)، *ایران عصر صفوی*، ترجمهٔ کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شاردن، ژان، (۱۳۴۵)، *سیاحت‌نامه*، ترجمهٔ محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شاملو، ولی قلی بن داود قلی (۱۳۷۱)، *قصص الخاقانی*، تصحیح سید حسن سادات ناصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس.
- طهرانی، ابوبکر (۲۵۳۶)، *کتاب تاریخ دیاربکریه*، تصحیح نجاتی لوغال و فاروق سومر، تهران: کتابخانه طهوری.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸)، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: آگه.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۴۹)، *تاریخ گیلان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران‌زمین.
- قائمی زاده، محمد سلمان (۱۳۸۶)، *جامعه شناسی قشربندی و تحرک اجتماعی*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- قزوینی، یحیی بن‌عبدالطیف (۱۳۸۶)، *لب التواریخ*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳)، *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، چ۲.
- ـــــ (۱۳۶۶)، *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: کتابخانه طهوری.
- متی، رودی (۱۳۹۳)، *ایران در بحران (زوال صفویه و سقوط اصفهان)*، ترجمهٔ حسن افشار، تهران: نشر مرکز.
- محقق سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۱)، *روضة الانوار عباسی*، تصحیح نجف لک‌زایی، قم: بوستان کتاب قم.
- مرعشی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲)، *مجمع التواریخ*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه سنائی و کتابخانه طهوری.
- مشیزی، میرمحمد سعید (۱۳۶۹)، *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: وحید.
- منجم یزدی، ملاجلال (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی*، تصحیح سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، *جواهر الاخبار*، تصحیح محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- موسوی فندرسکی، سیدابوطالب (۱۳۸۸)، *تحفة العالم*، تصحیح رسول جعفریان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸)، *تذکرة الملوک*، تصحیح سید محمد دبیر سیاقی تهران: امیرکبیر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]

- میرزا رفیعا (۱۳۸۵)، *دستور الملوک*، تصحیح محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- نصرآبادی، محمد طاهر (۱۳۷۸)، *تذکره نصرآبادی (تذکرة الشعرا)*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- نصیری، میرزا علی نقی (۱۳۷۱)، *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، تصحیح یوسف رحیم لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۰)، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران (از سال ۱۰۸۵ تا ۱۱۰۵ ق.)*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نویدی شیرازی، عبدی بیک (۱۳۶۹)، *تکملة الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نی.
- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض الشعرا*، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف (۱۳۸۲)، *خلد برین (ایران در زمان شاه صفی و شاه‌عباس دوم)*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.37.7.7]